

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

مشک تر

(از خاطرات گذشته)

شهی شبی شکن زلف خود چو مشک تری
شگفته خنده کنان چون سپیده سحری

بلی، لبی چو عقیق یمن بمن بنمود
اگر به سینه دلی باشد و به کف گهری

نظر نمود که نذر نظاره اش بکنم
ز خویش بی خبرم کرد، وه چه بی خبری

چو موج گل به نظر آمد و گذشت و نماند
نداشت در دل سنگش، نیاز من اثری

منش به هر قدم انداختم سری به نیاز
سر سخن نگذارم به هیچ خیره سری

سیریت بین من و یار، اگر سَرَم برود
عقیق احمر جانپور است، یا شکری

حکایت لب لعلش اگر ز من پرسى
که گر به شعله نشینم، نمی کند نظری

تبی ست در تن من از بتی سیه چشمی
خری به عیسی مریم شده ست همسفری

رقیب گشته قریب نگار من، گوئی
کنم گذر به ره و رسم دلبر دگری

نگار اگر گذر از رهگذار من نکند
عجب مکن که به شهر اوفتاده شور و شری

رگ جنون مرا هم به عشق پیوند است
که تا به حشر نیابی دگر ز من اثری

بیا وگرنه چنان از تو دور خواهم رفت

بنازم آن پدري را كه چون تواش پسر است خوش آن پسر كه برد فيض آنچنان پدري

به شُكر نعمت يك خنده، شُكر افشاندی

«اسير» اين سخت نيست كمتر از شكري

(شهر كابل - قوس ۱۳۳۷ ش)